

**طرح تاریخ نگاری**  
**دانشگاه شیراز آغاز شد**

**نایب رییس کمیته ساوانه فارس؛**  
**ساوانه کاران استان فارس**  
**سه مدال جهانی کسب**  
**کردند**

**بسیج و سئوالات بی پاسخ**  
**محمد عسلی**

چه تعداد از دانش آموزان به خاطر نداشتن تبلت و گوشی هوشمند از تحصیل بازماندند؟  
**معاون آموزش و پرورش فارس در گفت و گو با «عصر مردم»:**

**آمار نداریم!**

**اولین مدیر کل آموزش و پرورش فارس**  
**پس از پیروزی انقلاب**  
**اسلامی در گذشت**

**یکی از کارکنان بیمارستان شهیدرجایی شیراز به جمع شهدای سلامت پیوست**

**ساماندهی ۹۷۸ معناده متجاهر در شیراز**

**پیش بینی بارش شدید باران در فارس**

**مدیر کل راهداری و حمل و نقل جاده ای فارس خبرداد**  
**جلوگیری از صدور بلیط برای مسافران مبتلا به کرونا**

**رئیس قوه قضاییه:**  
**سازمان ملل هم از ما تقدیر می کند**  
**هم قطعنامه می دهد**

**رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرد:**  
**آغاز بررسی ادعای آزمایش داروهای خارجی کرونا بر روی ۳ هزار ایرانی**

**رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه**  
**خبر داد**  
**بازداشت ۱۲ نفر از کارکنان قوه قضاییه به اتهام گرفتن رشوه**

**معافیت مالیاتی حقوق کارکنان ۴ میلیون تومان شد**

**احتمال حذف نیمی از متقاضیان مسکن ملی**



**پارک خودرو در پیاده راه ها مشکلی که بیشتر فرهنگی است تا انتظامی**

قرار ترجیح دهید و مدام خود را ملامت کنید که چرا اصولاً این حضور و عضویت را پذیرفتیم. به هر حال، حسب چارچوب تعریف شده هر فیلمی که خواهد اجازه نمایش بگیرد باید در این شورا به نمایش در آید و بحث و فحوصی ضابطه مند درباره آن صورت گیرد. یعنی از بالا نباید اعمال اراده و سلیقه شود. حتی وزیر، البته این هم تعریف شده است که اگر شورای پروانه نمایش به یک اجماع نظر نرسد، حسب سازوکار تعریف شده می تواند به شورای بالاتری ارجاع شود. اما نباید بدون دنبال کردن این فرایند و سازوکار تعریف شده آن اعمال ففوذهایی صورت گیرد.

قبل از اینکه وارد این شورا شوم مصاحبه کردم و گفتیم حق ونوی هیچ کس را نمی پذیریم مگر تصمیم جمعی آن جمع. بعضی از کارگردانان نیز دعوت می کنیم تا حرف های خود را بزنند. این روال نیز دنبال می شود. اما اینکه با تغییر معاونت بالا فاصله خارج از این چارچوب بخواهند فیلم هایی را تایید کنند یا مخالفت من روبرو شد. در زمان ما درباره یکی از فیلم های سینمایی به این جمع بندی رسیدیم که اگران خاص شود اما دفعتاً، پس از عدم عضویت در این شورا متوجه شدن این فیلم اگران عمومی شد. در گفتند که ما هم صحبت شده است. اسم این شیوه از فعالیت، آن هم در عرصه فرهنگ چیست؟

درد امروز فرهنگ و هنر ما امنیت زدگی و سیاست زدگی است. وقتی زمام امر فرهنگی را به یک امنیت زده و سیاست زده می دهند تمام تلاش شما نمی خواهد بود که دیگران سیاسی نشوند. آدم امنیتی و سیاست زده دوست ندارد دیگران سیاسی شوند و برخلاف تصور و ظاهر که در نظر می رسد این آدم ها بخواهند دیگران سیاسی شوند. در واقع، سد حکمی در برابر سیاسی شدن مردم هستند. یعنی سیاست زدگی مساوی است با سیاست زدایی.

در چنین شرایطی چه فیلم هایی اجازه اکران می گیرند؟ فیلم هایی که مردم را نسبت به سرنوشت اساسی خودشان بی تفاوت کنند. فیلم هایی که مشغولیتانی برای مردم باشد. طنزهای لوده ای اجازه اکران می یابند که هیچ کمکی به قابلیت های انسانی نمی کنند و تنها جیب مردم را خالی می کنند. این فیلم هایی که اخبار و البته غالباً قبل از کرونا و به نام طنز و کمدی اکران شدند از چه زوایاتی برخوردار بودند؟ فیلم هایی که بعضاً لودگی را به نهایت خود رسانده بودند. این فیلم ها در زمان چه کسانی و چه معاونت و چه اشخاصی اجازه اکران گرفته اند؟ زمانی که بنده در شورای پروانه نمایش بودم خیلی از این فیلم ها را امضا نمی کردم چرا که شرافتم اجازه امضای پروانه نمایش این دسته از فیلم ها را نمی داد. برخی از این فیلم ها در قد و قواره یک حیات سالم اجتماعی نیستند و تنها جیب مردم را خالی می کنند. اگر انسان ها سیاسی شوند مطالبه گر می شوند. این درس مهمی است، شما نمی خواهید مردم مطالبه گر باشند. کماکان می خواهید وضع موجود حفظ شود، تغییر و تحولی رخ ندهد، منافع تادوم داشته باشد. این امر یک قصه نیست و من برای آن شاهد دارم.

**عماد افروغ:**

**«بودجه فرهنگ» خرج «فرهنگ» نمی شود**

است. شما می خواهید آن سازمان یا نهاد را منحل کنید و درخواست انحلال آن را داشته باشید حالا درخواست بودجه مضاعف را دارید؟ این درست نیست و دردناک است. یک نماینده مجلس یا کمیسیون فرهنگی باید یک ویژگی هایی داشته باشد. من حق را به شما می دهم، یعنی یکی از نهادهای نظارتی ما کمیسیون فرهنگی مجلس است. برای مثال همین کمیسیون فرهنگی وقتی تحقیق و تفحص را کلید می زند و در نهایت به جایی ارجاع می شود، چرا نهادهای دیگر مانند قوه قضاییه پیگیری نمی کنند؟ یا چرا نهادهای دیگر مانند قوه قضاییه پیگیری نمی کنند؟ یا چرا نهادهای دیگر مانند قوه قضاییه پیگیری نمی کنند؟ یا چرا نهادهای دیگر مانند قوه قضاییه پیگیری نمی کنند؟

**\* اصولاً برای داشتن یک مدیریت درست، نیازمند نظارت یک نهاد بالادستی هستیم، کمیسیون فرهنگی مجلس که سابقه عضویت و ریاست آن را هم دارد، در این مورد تا چه اندازه می تواند مطالبه گر باشد؟ اساساً مطالبه اصلی در حوزه مدیریت بودجه فرهنگی، ناظر به دولت باید باشد یا مجلس؟**

اگر وظایف مکتوب کمیسیون فرهنگی را بررسی کنیم، می بینیم که این کمیسیون یک سری وظایف قانون گذاری و نظارت دارد. اما همین که بخواهیم شرح وظایف این کمیسیون را در عمل دنبال کنیم با انواع و اقسام لای ها و موافق روبرو می شویم. درد ما بخش مکتوبات و نوشته شده های مربوط به شرح وظایف دستگاهها نیست، مربوط به موانع آشکار و غیر آشکار موجود است. یعنی زمانی که برای مثال و بر اساس وظیفه قانونی خود یک تحقیق و تفحص از یک نهاد فرهنگی را کلید بزنید با انواع و اقسام موانع و لای ها روبرو می شوید. در حالی که اصل تحقیق و تفحص هم یک امر قانونی و هم مرتبط با یک زندگی سالم است. یک جایی سوال دارید و این سوال را از طریق تحقیق و تفحص دنبال می کنید و بعد آن دستگاه مرتبط هم پاسخ می دهد. اما به محض اینکه اسم تحقیق و تفحص می آید، انواع و اقسام موانع و لای ها مطرح می شوند.

وظیفه کمیسیون فرهنگی مجلس این است که بدون هیچ لای و تعارفی نظارت خود را اعمال کند. البته کج سلیقه ای هم نکند، با به منصف باشد و برخورد جناحی نیز نداشته باشد. اینها مسائلی است که هم از زوایای ما است و هم قواعد تعریف شده یک جامعه سالم است.

باید بگویم که متأسفانه ما ضعف نظارت داریم. یعنی اگر براین نمونه کمیسیون فرهنگی شجاعانه و مدبرانه وسط میدان می آید و بر تخصص و هزینه کرد بودجه های فرهنگی نظارت مستمر و فعال می کرد بسیاری از مسائل فرهنگی ما حل می شد. اگر سازمانی در طول سال مشمول نظارت ما بوده و کار شایسته ای انجام نداده و بودجه را به طور صحیح هزینه نکرده، چرا باید به آن نهاد دوباره بودجه تخصیص داد؟ به یاد دارم زمانی که در مجلس هفتم بودم، در سال آخر نمایندگی ام که مسئولیتی هم در کمیسیون فرهنگی نداشتم، قبل از اینکه رهبری از مظلومیت فرهنگ بگویند، برخی از دوستان در کمیسیون فرهنگی طرح انحلال برخی از سازمان های فرهنگی را دنبال می کردند، اما به محض اینکه رهبری بحث مظلومیت فرهنگ را مطرح کردند، ذهن این افراد به سمت بودجه رفت و برای همان سازمانی که به دنبال انحلالش بودند بودجه کلانی را درخواست کردند!

بنده در صحن علنی مجلس با آن مخالفت کردم. بحث هم این بود که چرا مظلومیت فقط با بودجه برطرف شود؟ مشکل تنها بودجه نیست، بلکه برنامه و فکر و ذهنیت

سینمایی ساخته می شود یا یک برنامه فرهنگی توسط یک نهادی دنبال می شود، همه باید در جهت به فعلیت رساندن این قابلیت های ظفری و الهی بشر باشد. این را باید در تمام جلوه ها و عرصه های فرهنگی شاهد باشیم. اما ما چنین امری را شاهد نیستیم.

نه تنها این مساله را شاهد نیستیم، بلکه شاهد عکس آن هستیم. در تمام حوزه هایی که ذیل فرهنگ تعریف می شود و حتی گاهی علم را نیز در زمینه فرهنگ تعریف می کنند، شاهد رعیت پروری هستیم، شاهد فرمایشی و دوری از محتواگرایی هستیم؛ از شاخص های ارتقاء علمی و آموزشی کشور گرفته تا شاخص هایی که مربوط به فعالیت های دیگر فرهنگی اعم از هنری و غیره.

ما شاهد فرهنگ هستیم هم به لحاظ شخصی، همین مشی و رویکرد را دنبال می کنند. غالباً یک نگاه امنیت زده و سیاست زده به فرهنگ وجود دارد، و این نگاه در سابقه، کسوت شخصی افراد نیز مشهود است. غالباً مشاهده می کنیم که افرادی با سابقه سیاسی و امنیتی متصدی امور فرهنگی شده اند. نگاه امنیتی با نگاه فرهنگی متفاوت است، نگاه امنیتی یک نگاه محدود و بسته است، اما در خلق فرهنگ، ما نیازمند جسارت و شجاعت و نوآوری و فرهنگ با حقیقت سر و کار دارد، با مصلحت سر و کار ندارد، با نگاه امنیتی سر و کار ندارد، شما به نهادهای مختلف فرهنگی نگاه کنید و ببینید که متولیان فرهنگ چه کسانی و با چه رویکردی هستند؟ آیا زبان حقیقت گوی را رک و صریح دارند و یا آن ها نیز اسیر مصلحت اندیشی هستند؟ زمانی که یک جامعه مصلحت اندیشی شد و این مصلحت اندیشی به صورت کاذب از بالا به پایین توسط فرهنگ به جامعه تزریق شد، جامعه آزاد، مبتکر و خلاق نمی شود.

**\* با این نگاه، در تمام این سال ها رویکرد کلان ما در حوزه فرهنگ چگونه قابل تحلیل است و فکر می کنید متولیان امر تا به امروز با چه سمت و سوی در حوزه فرهنگ اعمال مدیریت می کنند؟ بودجه فرهنگی تا چه اندازه در این فرآیند تعیین کننده بوده و هست؟**

باید دید برنامه های فرهنگی در چه مسیر حرکت می کند، تا چه اندازه در خدمت انسان آزاداندیش است، تا چه اندازه در خدمت انسان عدالت خواه است و تا چه اندازه در جهت رفع نیازهای واقعی بشر است؟ بعد ببینیم که از طریق بودجه فرهنگی قرار است چه اتفاقی رخ دهد. چگونه بودجه مورد نظر و از طریق چه نهادهایی باید تخصیص پیدا کند. آیا در تخصیص این بودجه و هزینه کرد این بودجه نظارت هست یا خیر؟

بنابراین بنده سلسله مراتبی از مشکلات را می بینم، هم مشکلات رویکردی و معطوف به اهداف را می بینم، هم برنامه های که قرار است ذیل این اهداف و رویکردها تعریف شود را می بینم، هم عدم نگرش سیستماتیک و منظومه ای در تقسیم این بودجه متناسب با آن برنامه و رویکرد را می بینم و هم فقدان نظارت را می بینم.

عماد افروغ جامعه شناس و کارشناس فرهنگی معتقد است که بودجه هایی که به فرهنگ اختصاص داده می شود، خرج مأموریت های محوله نمی شود.

**خبرگزاری مهر - گروه هنر-نیشا روزبان:** «بودجه فرهنگی» از جمله چالش هایی است که دولت های مختلف در پایان هر سال درگیر آن هستند، بودجه ای که البته معمولاً در فرآیند بودجه بندی، مورد کم توجهی قرار می گیرد و در هر شرایطی مواجهه با هر نوع کسری، اول از بودجه این بخش کسر می شود.

**در کنار این مهجوری، مهمترین مساله ای که وجود دارد این است که بودجه فرهنگی از مدیریت درست هم برخوردار نیست و همان مبلغ اندکی که هرسال به فرهنگ می رسد، شاهد رعیت پروری هستیم، شاهد فرمایشی و دوری از محتواگرایی هستیم؛ از شاخص های ارتقاء علمی و آموزشی کشور گرفته تا شاخص هایی که مربوط به فعالیت های دیگر فرهنگی اعم از هنری و غیره.**

**عماد افروغ جامعه شناس و استاد دانشگاه که تجربه نمایندگی در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی و ریاست کمیسیون فرهنگی در این دوره را داشته است، درباره فرهنگ و مدیریت بودجه آن در کشور به گفتگو نشستیم.**

**افروغ در بخشی از صحبت های خود تاکید می کند که اگر برخی مدعی هستند که بودجه فرهنگ کم است، باید از آن ها پرسید آیا بودجه ای که پیش از این به فرهنگ اختصاص داده شده، برای فرهنگ هزینه شده است یا خیر؟ وی در پاسخ به این سوال خود می گوید: شخصاً معتقد بسیاری از بودجه هایی که تخصیص داده می شود، با اصل خرج مأموریت های محوله نمی شود، با نظارت لازم بر نحوه صحیح هزینه کرد این بودجه های فرهنگی صورت نمی گیرد.**

**آنچه در ادامه می خوانید مشروح گفتگوی خبرگزاری مهر با عماد افروغ درباره بودجه فرهنگی است.**

**قبل از اینکه وارد بحث بودجه شویم، بهتر است کمی درباره فرهنگ و جایگاه فرهنگ در کشور صحبت کنیم؛ در حال حاضر بودجه فرهنگی به طور رسمی در کشور اعمال می شود، در راستای چه اهدافی است و از چه ساز و کارهایی استفاده می کند؟**

احساس کلی، شهودی و تجربی من از فرهنگ این است که فرهنگی که در سطح کلان متناسب با ذات انقلاب اسلامی و رهایی بخش انسان از قید و بندهای اسارت بخش غیرظفری و غیر الهی باشد و انسان را از بردگی خود ساخته و دیگر ساخته نجات دهد، در کشور وجود ندارد. بلکه بالعکس این فرهنگ در سطوح مختلف، هم سلب اختیار و اراده از مردم می کند و هم به نوعی برده پرور و عبت پرور است. یعنی آن شجاعت لازم که لازمه یک حیات سالم و بالنده اجتماعی است در آن به چشم نمی خورد.

یعنی اگر فرهنگ را به این برگردانیم که در نهایت، قابلیت های انسان را باور کند و این باور شدن بتواند بر حیات اقتصادی، سیاسی و حتی حیات روانه اجتماعی او اثر گذار باشد، وجود ندارد. به عبارت دیگر، بیشتر نوعی فرهنگ اقتباده حکمفرماست تا یک فرهنگ معطوف به شجاعت و سرکشی و عصیان جهت دار که در واقع خودباوری را ارتقا دهد.

تعریفی که از فرهنگ به طور کلی بیان کردم باید در تمام جلوه های فرهنگی و هنری دیده شود، یعنی اگر فیلم